

دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی

سال ۷، شماره ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۶

واکاوی چالش‌های برابریابی در ترجمه فرهنگ‌های تخصصی چندزبانه بر اساس ترجمه فرهنگ سه‌زبانه معجم المصطلحات الاقتصادية والمالية اثر دکتر مصطفی هنی

۱- کمال باغجری*، ۲- ناصر قاسمی‌روزه**، ۳- اسحاق طالب‌بزرگی***، ۴- سجاد
صدقی کلوانق****

۱- استادیار زبان و ادبیات عربی پریس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

۲- استادیار زبان و ادبیات عربی پریس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان و ادبیات عربی پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان و ادبیات عربی پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۰۴)

چکیده

این پژوهش با رویکرد تحلیلی - توصیفی به بررسی مهم‌ترین چالش‌های برابریابی در ترجمه فرهنگ لغات و اصطلاحات تخصصی چندزبانه می‌پردازد. واکاوی این چالش‌ها از رهگذر ترجمه فرهنگ اصطلاحات تخصصی فرانسه - انگلیسی - عربی معجم المصطلحات الاقتصادية والمالية اثر دکتر مصطفی هنی به زبان فارسی، از سوی نگارندگان این اثر حاصل شده است. چالش‌ها در این پژوهش به دو بخش تخصصی و عمومی دسته‌بندی گردیده است. آسیب‌ها و چالش‌های تخصصی که ویژه ترجمه لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌های اصطلاحات چندزبانه است، عبارتند از: «ناهمگونی فرهنگ لغت‌ها در ترجمه و چالش مترجم فارسی در ارائه برابرنهاده یکسان»، «اختلاف در برابریابی واژگان و اصطلاحات از زبان اصلی»، «ناهمگونی در برگردان واژگان و اصطلاحات بین زبان‌های مختلف» و «برابریابی و برگردان دقیق علائم اختصاری». چالش‌های عمومی نیز که چالش‌هایی مشترک در انواع متون تخصصی چندزبانه (به‌ویژه متون مالی و اقتصادی) است، عبارت است از: «برابریابی در ترجمه اصطلاحات تخصصی» و «آشنایی با زبان اصلی متن مبدأ در گزینش برابرنهاده مطلوب». نگارندگان در فرایند واکاوی این چالش‌ها، ضمن استناد به مثال‌های متعدد برای تبیین مسئله، راهکارهایی کاربردی برای رفع چالش مورد نظر و ارتقای سطح ترجمه متون چندزبانه در کشورمان ارائه داده‌اند.

واژگان کلیدی: برابریابی، چالش‌های ترجمه، فرهنگ‌های چندزبانه، متون اقتصادی و مالی.

* E-mail: kbaghjjeri@ut.ac.ir (نویسنده مسئول)

** E-mail: naserghasemi@ut.ac.ir

*** E-mail: eshagh2014ut@gmail.com

**** E-mail: sajadsedghi70@ut.ac.ir

مقدمه

همواره پیشرفت و توسعه دانش و مهارت، با پیدایش کلمات، اصطلاحات و ترکیب‌های نوین در زمینه‌های تخصصی گوناگون همراه است. از این رو، پیشگامان هر رشته علمی، نخست فرهنگ اصطلاحات آن علم را تدوین می‌کنند تا بتوانند راه تفهیم و تفاهم و گسترش آن علم را بگشایند؛ چراکه بهترین و سریع‌ترین راه آشنایی با معادل دقیق اصطلاحات، مراجعه به فرهنگ اصطلاحات آن علم است (ر.ک؛ ناظمیان، ۱۳۹۳: ۹۸). می‌دانیم که فرایند پیدایش اصطلاحات و واژگان تخصصی غالباً در کشورهای توسعه‌یافته و پیشرو در عرصه‌های مختلف صنعتی، علمی و فناوری صورت می‌گیرد. از این رو، واضح است که این اصطلاحات و واژگان بر مبنای زبان و ساختارهای دستوری و واژگانی همان کشورها متبلور می‌شود و در قالب انواع شیوه‌های ارتباطی (کتاب، مجله، رسانه، نرم‌افزار و...) به دیگر مناطق جهان راه پیدا می‌کند. در این میان، کشورهایی که در رده بعدی توسعه و پیشتازی قرار دارند، همواره با سیل واژگان و اصطلاحات تخصصی نوین مواجه هستند. این کشورها ناگزیرند به منظور بهره‌برداری از علوم و مهارت‌های نوین، از رهگذر ترجمه اصطلاحات و واژگان تخصصی، برابرهای بومی را برای آن‌ها برگزینند. در نتیجه، ارائه برابرهای مناسب برای واژگان و اصطلاحات تخصصی از ابزارهای اصلی فهم هر شاخه از علم و دانش به حساب می‌آید؛ چراکه هر علمی برای برقراری ارتباط با مخاطبان خود نیاز به زبان ویژه‌ای دارد و میزان گستردگی واژگان، غنا و تنوع آن از نخستین و بارزترین نشانه‌های پیشرفت زبان‌هاست (ر.ک؛ حدادی، ۱۳۸۴: ۴۴). فرهنگ اصطلاحات تخصصی سه‌زبانۀ *معجم المصطلحات الإقتصادية والمالیة* اثر دکتر مصطفی هنی، با گردآوری حجم وسیعی از واژگان و اصطلاحات تخصصی حوزه اقتصاد و مسایل مالی (بالغ بر هزار صفحه و سی‌هزار مدخل) به سه زبان فرانسه، انگلیسی و عربی، یکی از معتبرترین و بزرگترین فرهنگ‌های اصطلاحات و واژگان تخصصی در این زمینه است.

۱. طرح مسئله و پرسش‌های پژوهش

ترجمه یک متن تخصصی با چالش‌های اصطلاح‌شناختی (ترمینولوژیک) خاصی روبه‌روست. بخش عمده‌ای با جستاری استنادی یا پرسش از کارشناسان امر، مرتفع شود، لیکن ترجمه متون اقتصادی و مالی با حساسیت‌ها و دشواری‌های بسیار جدی تری همراه است؛ چراکه افزون بر چالش‌های رایج در ترجمه متون تخصصی، تبعات قانونی و حقوقی سنگینی در پی دارد؛ برای مثال، شاید کوچکترین لغزش و بی‌دقتی در ترجمه انواع قراردادهای، توافق‌نامه‌ها، طرح‌های سرمایه‌گذاری و غیره، خسارت‌های جبران‌ناپذیری برای یکی از طرفین به همراه داشته باشد.

نگارندگان در فرایند ترجمه فرهنگ معجم المصطلحات الإقتصادية والمالية، با چالش‌های بنیادینی، از جمله در حوزه برابریابی‌ها در سطح واژگان و اصطلاحات روبه‌رو شدند. بخشی از این چالش‌ها مختص ترجمه فرهنگ‌های اصطلاحات و واژه‌نامه‌های چندزبانه بود که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

۱. ناهمگونی فرهنگ لغت‌ها در ترجمه و چالش مترجم فارسی در ارائه برابرنهاده یکسان.

۲. اختلاف در برابریابی واژگان و اصطلاحات از زبان اصلی.

۳. ناهمگونی در برگردان واژگان و اصطلاحات بین زبان‌های مختلف.

۴. برابریابی و برگردان دقیق علایم اختصاری.

اما چالش‌هایی نیز به عنوان چالش‌های مشترک وجود داشت که در ترجمه انواع متون چندزبانه تخصصی قابل رؤیت است که نگارندگان به اختصار بر اساس بسامد و کارکرد، برای آشنایی مترجمان نوپا یا فعال در حوزه متون تخصصی چندزبانه، به تبیین آن‌ها نیز پرداخته‌اند. مهم‌ترین این موارد عبارت است از:

۱. برابریابی در ترجمه اصطلاحات تخصصی.

۲. آشنایی با زبان اصلی متن مبدأ در گزینش برابرنهاده مطلوب.

پژوهش حاضر سعی دارد چالش‌های یادشده را در فرایند ترجمه کتاب *المعجم المصطلحات الاقتصادية والمالية*، به عنوان یکی از معتبرترین فرهنگ‌های اصطلاحات تخصصی چندزبانه در حوزه مسایل اقتصادی و مالی واکاوی کند تا راهگشای دانشجویان و مترجمان باشد و بتواند با توجه به موارد ذکرشده و با ارائه پیشنهادهایی برای برون‌رفت از این چالش‌ها، نارسایی‌های ترجمه این دست متون را به حداقل برساند.

در این پژوهش، تلاش گردیده تا با واکاوی چالش‌ها و نکاتی که مترجمان در فرایند ترجمه با آن روبه‌رو گشته‌اند، به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

۱. چه چالش‌ها و محدودیت‌هایی بر سر راه مترجمان در برابریابی و برگردان لغت‌نامه‌ها، فرهنگ‌های اصطلاحات و متون تخصصی چندزبانه وجود دارد؟
۲. راه‌های برون‌رفت از این چالش‌ها در برابریابی‌های واژگانی و اصطلاحی در راستای ترجمه متون تخصصی چیست؟

۲. پیشینه پژوهش

از آنجا که ساختار پژوهش پیش رو به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود، بحث پیشینه پژوهش را نیز باید از دو منظر متفاوت واکاوی کرد. درباره بخش نخست و اصلی مقاله که به چالش‌های تخصصی برابریابی‌ها در ترجمه متون و فرهنگ‌های چندزبانه تخصصی می‌پردازد، بنا بر جستجوی نگارندگان در موتورهای جستجوی اینترنتی و پایگاه‌های مجازی مجلات علمی و پژوهشی، تاکنون هیچ پژوهش مستقلی که به واکاوی تطبیقی چالش‌ها، یا حتی نکته‌ها در برابریابی و ترجمه متون چندزبانه (یا فرهنگ‌های چندزبانه) پرداخته باشد، صورت نگرفته است. شاید مرتبط‌ترین پژوهش در این زمینه، مقاله ارائه شده به «همایش ترجمه دانشگاه علامه طباطبائی» با این عنوان باشد: «ویژگی‌ها و نیازهای کاربران فرهنگ‌های تخصصی» نوشته احمد طاهریان (۱۳۷۹). این مقاله، پژوهش کم‌حجمی است که با تکیه بر روشی میدانی و آماری تلاش می‌کند ویژگی‌های کاربران فرهنگ‌های تخصصی حوزه اقتصاد و توقعات ایشان از این دست فرهنگ‌ها را برای خواننده تبیین کند. همچنین، نگارنده در بخش پایانی، مهم‌ترین فرهنگ‌های اصطلاحات

اقتصادی و مالی «انگلیسی به فارسی» را برای خوانندگان معرفی کرده‌است. از این رو، خواه از نظر رویکرد غیرتخصصی و وارد نشدن به مباحث معادل‌یابی، خواه از نظر محدود ماندن پژوهش به فرهنگ‌های دوزبانه، تفاوت‌هایی ساختاری بین این مقاله با پژوهش پیش رو وجود دارد.

اما برای بخش دوم و فرعی، پژوهش‌هایی چند در حیطه معادل‌یابی واژگان و اصطلاحات به رشته تحریر درآمده‌است. بخشی از این پژوهش‌ها، علی‌رغم وجود برخی همانندی‌ها، اختلافی بنیادین با پژوهش پیش رو دارند و از این رو، از ذکر آن‌ها صرف نظر می‌کنیم. اما دو پژوهشی که می‌توان آن‌ها را با بخش‌هایی از این پژوهش مرتبط دانست، عبارتند از:

* «از تعدیل تا معادل‌یابی» نوشته رضا ناظمیان و زهره قربانی (۱۳۹۲). این مقاله به نکات ارزنده‌ای در باب شیوه‌های معادل‌یابی، به‌ویژه بحث تعدیل واژه و اصطلاح در فرایند ترجمه اشاره کرده‌است. از این رو، تفاوت بارز آن با پژوهش پیش رو این است که مقاله مزبور فرایند معادل‌یابی را در ساختار جمله و متن بررسی کرده‌است و برخلاف پژوهش پیش رو، به بحث معادل‌یابی از رهگذر فرهنگ‌های تخصصی چندزبانه ورود نکرده‌است؛ به سخن دیگر، پژوهش پیش رو درصدد است تا چالش‌های فرایند معادل‌یابی یک اصطلاح تخصصی را در سطح نخستین لایه ذهن (دستیابی به برابرنهاد) واکاوی کند و این برخلاف روند طی شده در مقاله «از تعدیل تا معادل‌یابی» است که به مراحل بعدی این فرایند (کارکرد اصطلاح در ساختار متن) پرداخته‌است.

* «بررسی تطبیقی کلمات اختصاری در فارسی، انگلیسی، عربی و ترکی استانبولی» نوشته قلی‌فامیان و سخنور (۱۳۹۴). این مقاله نیز چنانچه از عنوانش پیداست، فرایند شکل‌گیری کلمات اختصاری را در چهار زبان ارزیابی کرده‌است و از این جنبه می‌تواند با بخش‌هایی از مقاله پیش رو (برابریابی و برگردان دقیق علایم اختصاری) همگونی داشته باشد. اما مهم‌ترین اشکال وارد بر آن، ارائه نکردن یک یا چند راهکار مناسب برای برون‌رفت از چالش ترجمه کلمات اختصاری است؛ به عبارت دیگر، این مقاله تنها گزارشی توصیفی از گونه‌های ساخت کلمات اختصاری در زبان‌های مزبور است و

نگارندگان هیچ اشاره‌ای به نحوه ترجمه این کلمات، از یکی از چهار زبان به دیگری نداشته‌اند.

در همین حیطه، کتاب‌های حوزه ترجمه از عربی به فارسی نیز کم‌وبیش نکات و چالش‌هایی را در بحث معادل‌یابی مطرح کرده‌اند؛ از جمله: فن ترجمه نوشته دکتر ناظمیان (۱۳۹۳)، فن ترجمه نوشته دکتر معروف (۱۳۸۷) و روش نوین فن ترجمه نوشته دکتر زرکوب.

۳. چالش‌های تخصصی برابریابی‌ها در ترجمه فرهنگ‌لغت‌های تخصصی چندزبانه

۱-۳) ناهمگونی فرهنگ لغت‌ها در ترجمه و چالش مترجم فارسی در ارائه برابرنهاده یکسان

مشکل اساسی و پیچیده مترجم متون تخصصی، یافتن معادل واژگانی برای مفاهیم و اصطلاحاتی است که در فرهنگ لغت‌های تخصصی، برابریابی مختلف و ناهمگون برای آن‌ها ارائه شده‌است و رعایت تمام خصوصیات معنایی واژگان و اصطلاحات، در ترجمه و برابریابی آن‌ها به چشم نمی‌خورد. به عقیده کمیساروف، اولین و بهترین راه ترجمه اصطلاحات، یافتن اصطلاحی در زبان مقصد است که کلیه خصوصیات معنایی اصطلاح، از قبیل معنی مجازی، لغوی، عاطفی و غیره در زبان مبدأ را داشته باشد (ر.ک؛ کمیساروف، ۱۹۸۵م: ۲۱۱). این امر با توجه به اینکه کلمات و واژگان در زبان‌های مختلف از شمول و قدرت معنایی یکسانی برخوردار نیستند، بیش از پیش اهمیت می‌یابد. از سوی دیگر، طبیعی است که این ناهمگونی‌ها در ترجمه واژگان و تعدد برابریابی آن، در هر زبانی وجود داشته باشد، اما این ناهمگونی‌ها در زبان فارسی چشمگیرتر به نظر می‌آید؛ زیرا زبان فارسی هم ویژگی اشتقاقی بودن را از عربی گرفته‌است و هم خود ساختاری ترکیبی دارد؛ به عبارت دیگر، در عربی، «اشتقاق» عامل اصلی واژه‌افزایی است، اما در زبان فارسی، علاوه بر اشتقاق، ترکیب واژه‌ها نیز عهده‌دار غنی‌سازی ذخیره واژگان این زبان

است و زبان عربی تاکنون نتوانسته قابلیت انعطاف‌آمیز خود را برای پذیرایی عنصر واژه‌افزایی اشتقاق به نحو فراگیر نشان دهد (ر.ک؛ امینی و امین مقدسی، ۱۳۹۲). در ترجمه این فرهنگ لغت نیز مترجمان با انبوهی از مترادفات گوناگون مواجه بودند، در حالی که در برابریابی عربی، تنها به ذکر معادل دقیق آن بسنده شده بود که این امر مترجم فارسی را بر سر یک دوراوه و یا چندراهه قرار می‌دهد که او در تعیین بهترین و نزدیکترین برابر از واژه مورد نظر سردرگم می‌ماند. بنابراین، در این بخش، به اختصار واژگان و اصطلاحاتی واکاوی می‌شود که در حین مراجعه به فرهنگ لغت‌ها در هر سه زبان، برای برگردان آن‌ها به فارسی، ترجمه‌های مختلفی از آن‌ها وجود داشت که این امر باعث سردرگمی مترجمان در انتخاب معادل معیار شده، آن‌ها را در گزینش برابرنهاده‌ای یکسان و ایجاد ارتباط و توازن بین هر سه زبان و ترجمه فارسی آن با چالش مواجه می‌کرد. اینک به برخی از این واژگان اشاره می‌گردد.

ردیف	العربیة	English	Français
۱	مقاصّة	Compensation	Compensation

مثال اول: در این مثال با بررسی معنای کلمه در هر یک از زبان‌ها و بر اساس معتبرترین فرهنگ لغت‌ها، برخی از آن‌ها واژه «مقاصّة» را چنین ترجمه کرده بودند: الف) «پرداخت و جبران خسارت، پرداخت غرامت، پایاپای» (استادی، ۱۳۸۶: ۶۶۳). ب) «پایاپای، تهاتری» (میرزائی الحسینی، ۱۳۸۴: ۱۳۶). ج) «گرامت، عوض، حساب متقابل، تصفیه، تفریق» (سیاح، ۱۳۷۲: ۸۰۳). د) «ترمیم، جبران، پرداخت خسارت، غرامت، تاوان» (البلعکی، ۱۳۸۷: ۱۰۲۳).

در ترجمه واژه «Compensation» از انگلیسی به فارسی نیز بر اساس معتبرترین منابع تخصصی، این ترجمه‌ها یافت شد: الف) «حقوق و مزایا، غرامت، تاوان، اجرت خدمت، جبران خسارت، جبران، مبادله، پاداش، عوض، تلافی» (حسینی، ۱۳۸۱: ۲۲۳). ب) «اجرت خدمت، جبران خسارت، غرامت، تاوان» (ملک‌زاده، ۱۳۶۴: ۲۲۶). ج) «گرامت، پاداش،

جبران، موازنه، حقوق و مزایا» (نوروش و شیروانی، ۱۳۸۵: ۱۱۸). د) «حق الزحمه» (رحمتی و گنجی زاده، ۱۳۹۴: ۷۸).

همچنین، در ترجمه از فرانسه به فارسی نیز برابری‌های پیش رو برای واژه «Compensation» ارائه شده بود: الف) «جبران، خسارت، غرامت، تاوان، تعادل، موازنه» (پارسایار، ۱۳۸۲: ۲۰۴). ب) «جبران، تلافی، پرداخت (خسارت)، برابری، تعادل (نیروها)» (کاظمی اسفیه و دیگران، ۱۳۷۹: ۳۲۱). حال بر اساس آشنایی مترجم با دامنه معنایی و معانی مختلف این واژه بر اساس منابع موجود، می‌توان با استفاده از پربسامدترین آن‌ها، برابری‌های «جبران، خسارت و تاوان» را در ترجمه فارسی آن ارائه داد.

ردیف	العربیة	English	Français
۲	إنقاص	Devaluation	Devaluation

مثال دوم: در این مثال، با جستجوی معنای کلمات در هر یک از زبان‌ها و بر اساس معتبرترین فرهنگ لغت‌ها، در برابر واژه «إنقاص» این ترجمه‌ها ارائه شده بود: الف) «کاهش دادن، کم کردن، کاستن، پایین آوردن» (البلبکی، ۱۳۸۷: ۱۷۵). ب) «کم کردن، کاهش دادن، کاستن، کوتاه کردن، مختصر کردن» (آذرنوش، ۱۳۷۹: ۷۱۰). ج) «کاهش، نقصان» (قیم، ۱۳۸۱: ۱۸۴).

در ترجمه واژه «Devaluation» از انگلیسی به فارسی نیز بر اساس معتبرترین منابع، این ترجمه‌ها یافت شد: الف) «کاهش ارزش پول، تنزل نرخ» (شعبان‌زاد و اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۶۲). ب) «تضعیف پولی» (فرهنگ، ۱۳۸۴: ۲۹۰). ج) «کاهش ارزش دادن، تنزل، تضعیف پول» (نوروش و شیروانی، ۱۳۸۵: ۱۸۲).

همچنین، در ترجمه از فرانسه به فارسی نیز برابری‌های پیش رو برای واژه «Devaluation» یافت شد: الف) «کاهش ارزش (پول)، کاهش نرخ برابری» (پارسایار، ۱۳۸۲: ۲۹۰). ب) «تضعیف رسمی پول، تنزیل ارزش پول» (کاظمی اسفیه و دیگران، ۱۳۷۹: ۴۶۷).

در این مثال نیز با استفاده از روش تحقیقات میدانی در قالب پرسشنامه و درخواست ارائه معادل برای واژه مورد نظر از استادان رشته اقتصاد و نیز برخی استادان عربی، برابر «کاهش ارزش پول» برای این مثال ارائه شد.

ردیف	العربیة	English	Français
۳	صَرف	Exchange	Change

مثال سوم: در این مثال هم معنی کلمات در هر سه زبان واکاوی شد که بر این اساس، در مقابل واژه «صَرف»، این برابرها یافت شد: الف) «خرج کردن، معامله کردن (پول)، پرداخت کردن، اعطاء، مبادله» (میرزائی‌الحسینی، ۱۳۸۴: ۹۳). ب) «صرافی، مبادله ارز، سفته‌بازی، خریدوفروش اوراق بهادار» (قیم، ۱۳۸۱: ۶۵۶). ج) مبادله ارزی، خریدوفروش ارز، نرخ خریدوفروش ارز» (البستانی، ۱۳۸۲: ۱۰۹۳).

در ترجمه واژه «Exchange» از انگلیسی به فارسی نیز بر اساس معتبرترین منابع، این ترجمه‌ها ارائه شده بود: الف) «سازمان بورس، بورس اوراق بهادار، بازار اوراق بهادار» (جهانخانی و پارسائیان، ۱۳۷۵: ۷۳). ب) «مبادله، معاوضه، ارز، تسعیر، صرافی» (فرهنگ، ۱۳۸۴: ۳۷۶). ج) «معامله» (توانایان‌فرد، ۱۳۸۵: ۳۸۸). د) «مبادله مالی، بورس، مبادله» (لو، ۱۳۹۴: ۱۸۲).

همچنین، در ترجمه از فرانسه به فارسی نیز برابریابی برای واژه «Change» یافت شد: الف) «مبادله، تبادل، رد و بدل، معاوضه، تعویض، [ارز] تبدیل، صرافی» (پارسایار، ۱۳۸۲: ۱۷۰). ب) «(مالی) تبدیل ارز» (کاظمی‌اسفه و دیگران، ۱۳۷۹: ۲۵۸). در مثال فوق نیز بر اساس بررسی‌های انجام شده در منابع مذکور و سایر منابع، می‌توان برابریابی «خریدوفروش ارز و مبادله ارزی» را ارائه داد.

حال با توجه به بررسی ترجمه‌های ارائه شده از فرهنگ لغت‌ها در سه زبان، این سؤال و چالش پیش می‌آید که مترجم در ترجمه فارسی فرهنگ لغت‌های تخصصی چندزبانه، با توجه به اصل رعایت اولویت‌بندی و تناسب ترتیب در هماهنگی با معنای اصلی یک واژه،

چگونه و با چه معیار و اسلوبی می‌تواند ضمن برقراری ارتباط و هماهنگی بین زبان‌ها و رعایت تناسب ترتیب در ذکر معادل‌ها، به ترجمه فارسی فرهنگ لغت‌های تخصصی چندزبانه اقدام نماید!

با توجه به تحقیق در انواع فرهنگ لغت‌های تخصصی و عمومی، پیشنهاد می‌شود که برای ترجمه این موارد، در صورتی که معادل واژه مورد نظر در هر یک از زبان‌ها وجود داشته باشد، از معیار بسامد و گستره استفاده از معادل آن واژه استفاده گردد؛ بدین صورت که پس از مراجعه به فرهنگ لغت‌های تخصصی در هر زبان، می‌توان از معادل رایج‌تر و پربسامدتر به عنوان ترجمه فارسی آن واژه در فرهنگ لغت‌های تخصصی چندزبانه استفاده نمود و این رویه را در ترتیب ذکر سایر مترادفات از آن واژه دنبال نمود و در صورتی که واژه مورد نظر از دسته نوواژگان باشد، می‌توان با استفاده از تحقیقات میدانی در قالب نظرسنجی از استادان و متخصصان امر در هر زمینه و رشته، نسبت به ارائه بهترین برابرها در ترجمه آن واژگان اقدام نمود.

۲-۳) اختلاف در برابری واژگان و اصطلاحات از زبان اصلی

برابری در سطح واژگان و اصطلاحات تخصصی در فرهنگ لغت‌های چندزبانه و برقراری تعادل در انتقال بار معنایی بین چند زبان مختلف، فرایندی بسیار پیچیده و تخصصی است که علاوه بر دانش و مهارت کافی، نیازمند بررسی تمام ملاحظات معنایی و فرهنگی موجود در آن زبان‌هاست. در برابری واژگانی، گزینش واژه معادل با توجه به مقتضای حال، عرف زبانی، لحن، تنوع در معادل‌یابی افعال و اصطلاحات، با رعایت اصل برابری انجام می‌پذیرد (ر.ک؛ طهماسبی و جعفری، ۱۳۹۳: ۱۱۷). بنابراین، یکی از مهم‌ترین ابزارها برای رهیافتی علمی در ترجمه، برابری‌های دقیقی است که در سطح واژگان، اصطلاحات و تراکیب و بر اساس معیارهای فوق صورت بگیرد.

چالش مزبور که نگارندگان در ترجمه فرهنگ سه‌زبانه آن را رصد کردند، مربوط به اشتباه مترجم و گردآورنده این اثر در معادل‌یابی دقیق از زبان فرانسه، به عنوان زبان اصلی است که مترجم را دچار لغزش می‌کند. در اینجا، کلمات فرانسه چندین معنای مختلف و

گاه بسیار دور از هم داشته‌اند. بر این اساس، مترجم در برگردان یک اصطلاح به زبان انگلیسی (زبان دوم) از یک معادل اصطلاح اصلی (فرانسه) بهره برده‌است و در ترجمه به زبان عربی (زبان سوم)، از معادلی دیگر استفاده کرده‌است. این امر، علاوه بر سردرگمی مراجعه‌کنندگان، باعث شده که مترجمان این اثر به زبان فارسی (زبان چهارم) نیز با چالشی بزرگ روبه‌رو باشند و در درک مفهوم اصلی اصطلاح دچار لغزش شوند. در ادامه، برای تبیین این چالش، مثال‌هایی را ذکر می‌کنیم و آنگاه توضیحات لازم را در باب آن‌ها می‌دهیم.

ردیف	العریبه	English	Français
۱	برنامج تکوین الإطارات	Executive training programme	Programme de formation des cadres

مثال اول: در این بخش، واژه «Formation» در فرانسه دو معنای متفاوت دارد: الف) «شکل و شکل‌گیری». ب) «آموزش و تعلیم» (کاظمی‌اسفه و دیگران، ۱۳۷۹: ۶۶۹). اما مترجم در برگردان انگلیسی آن از واژه «Training» به معنی «آموزش» استفاده کرده‌است (حسینی، ۱۳۸۱: ۴۳۵) و در برگردان عربی آن، از واژه «تکوین» به معنای «شکل‌گیری، آفرینش، خلق و پیدایش» (آذرنوش، ۱۳۸۴: ۶۰۴). در واقع، می‌توان گفت مترجم به دلیل اشتباه در برابریابی واژه، از زبان اصلی به زبان انگلیسی و عربی به عنوان زبان‌های مقصد، به خطا رفته‌است.

ردیف	العریبه	English	Français
۲	زراعی، استنباتی	Cultural - Educational	Cultural

مثال دوم: در این قسمت نیز واژه «Culture» دو معنی دارد: الف) «کشت، زراعت، زمین زیر کشت، مزرعه». ب) «فرهنگ، تربیت، پرورش» (پارسایار، ۱۳۸۲: ۲۴۷). در نتیجه، ترجمه واژه «Cultural» به عنوان صفت آن، به معنای «زراعتی» (ترقی، ۱۳۶۳: ۱۰۴) و نیز معنای رایج‌تر آن، «فرهنگی» است. مترجم در این بخش نیز از معنای اول در ترجمه عربی،

با عنوان «زرعی، استنباتی» و از معنای دوم در برگردان انگلیسی «Cultural-Educational» استفاده کرده‌است.

از آنچه گفته شد، درمی‌یابیم که مترجم متون سه‌زبانه، به‌ویژه فرهنگ‌های اصطلاحات تخصصی چندزبانه، علاوه بر اجتناب از شتابزدگی در ذکر برابرها، در برگردان واژه‌ها و اصطلاحات باید به اصول صرفی و ریخت‌شناسی زبان‌های مزبور از جمله واژه‌شناسی و تکواژشناسی آگاه باشد تا در درک ساختار درست واژه (فعل، اسم، صفت و...) و نیز معادل‌های مختلف یک اصطلاح دچار لغزش نشود.

۳-۳) ناهمگونی در برگردان واژگان و اصطلاحات بین زبان‌های مختلف

با توجه به اینکه واژه از مهم‌ترین ابزار کار مترجم است که در هر قدم با آن سروکار دارد، دانش کافی مترجمان واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌لغت‌های تخصصی در امر واژه‌شناسی و برابری‌های واژگانی، به عنوان تکیه‌گاه اول آن‌ها در ترجمه انواع متون تخصصی چندزبانه به حساب می‌آید. بدیهی است که برخی از کلمات یا معانی متفاوت و یا حتی متضاد هستند. در این موارد، باید بررسی کرد که کدام معنی با سیاق جمله و مطلب سازگار است و از میان معادل‌های نزدیک به هم، آنچه را که دقیق‌تر، نزدیک‌تر و مصطلح‌تر است، باید برگزید. اینجاست که تسلط و مهارت مترجم در این سه زمینه کارساز می‌گردد: ۱- معادل‌یابی. ۲- معادل‌گزینی. ۳- معادل‌سازی. مترجم باید علاوه بر اینکه به دو زبان مورد نظر تسلط کافی داشته باشد، این واقعیت را نیز باید به‌خوبی درک کند که کلمات و عبارت‌هایی که در زبان‌های متفاوت معادل‌یابی می‌شوند، از قدرت معنایی یکسانی برخوردار نیستند (ر.ک؛ میرعمادی، ۱۳۷۴: ۱۰۲) و نباید در برابر هر کلمه زبان مبدأ، همواره یک معادل واحد در زبان مقصد به کار برده شود؛ زیرا هر کلمه در بافت‌های معنایی مختلف، معادل‌های مختلفی دارد (ر.ک؛ نایدا، ۱۹۷۴: ۲۵).

در این چالش، مترجم و گردآورنده اثر در ارائه معادل دقیق در زبان‌های دوم و سوم (انگلیسی و عربی) دچار لغزش شده‌است. در واقع، در این چالش، برخلاف مورد پیشین، واژه یا اصطلاح مذکور در مدخل زبان اصلی (فرانسه)، تنها یک معنای مشخص

داشته‌است، اما مترجم در یافتن معادل دقیق انگلیسی، به‌ویژه عربی، دقت لازم را مبذول نداشته‌است و معادلی نادرست را ثبت نموده‌است. اینک به برخی از این موارد در جدول زیر اشاره می‌شود و توضیحات هر یک در ادامه خواهد آمد:

۱	مبدأ توازن الطلب	Equilibrium demand price	Prix de equilibre de la demande
معادل فارسی	اصل تعادل تقاضا، اصل توازن تقاضا	قیمت تعادل تقاضا، بهای متعادل تقاضا	قیمت تعادل تقاضا، بهای متعادل تقاضا، بهای تعادلی تقاضا

مثال اول: در این قسمت، مترجم در برگردان عربی واژه «Prix» به معنای «قیمت»، ارزش و بها» (پارسایار، ۱۳۸۲: ۶۸۶) به خطا رفته‌است و واژه «مبدأ» به معنای «اساس، قاعده، اصل، پایه» (البلبکی، ۱۳۸۷: ۸۹۹) را به کار برده‌است. این در حالی است که عبارت انگلیسی «Equilibrium price» که به معنای «قیمت تعادل» است (ر.ک؛ فرهنگ، ۱۳۸۴: ۳۶۱)، با معادل فرانسوی آن مطابقت دارد. بنابراین، مترجم می‌توانست در برگردان عربی، مثلاً واژه «سعر» را که همخوانی بیشتری با معادل‌های فرانسوی و انگلیسی دارد، به کار ببرد.

۲	سعر فی حالة زیادة البائعين عن المشترين	Buyers over	Cours acheteurs reduits
معادل فارسی	قیمت در شرایط فزونی فروشنده	مازاد خریدار، زیادبود خریدار	مازاد فروشنده، زیادبود فروشنده

مثال دوم: در این مثال، مترجم در معادل‌یابی انگلیسی دچار لغزش شده‌است و به جای «Sellers over» یا «Vendor over» به معنای «مازاد فروشنده» (لو، ۱۳۹۴: ۴۷۸)، به اشتباه «Buyer over» به معنی «مازاد خریدار» (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۴۶) را به کار برده‌است.

Bureaucratie n.f (routine)	Red tape	الروتین	۳
دیوان‌سالاری، دستگاه اداری، تشریفات اداری، کاغذبازی	تشریفات اداری، کاغذبازی	عادی، همیشگی، یکنواخت، روتین	معادل فارسی

مثال سوم: در این مثال، مترجم باید در برگردان عربی واژه «Bureaucratie» به معنی «دیوان‌سالاری، دستگاه اداری، تشریفات اداری، کاغذبازی» (پارسایار، ۱۳۸۲: ۱۴۲)، به جای استفاده از واژه «الروتین» به معنی «عادی، همیشگی، یکنواخت، ملال‌آور، جاری، خسته‌کننده» (میرزایی، ۱۳۸۱: ۳۲۵)، این واژه را به همراه صفت، یعنی به صورت «الروتین الحکومی» یا «الروتین الإداری» ذکر می‌کرد و یا حتی معادل دیگر این اصطلاح، یعنی «البیروقراطیه» را به معنای «دستگاه اداری، کاغذبازی، بروکراسی، تشریفات اداری» (همان) به کار می‌برد که علاوه بر «Bureaucratie»، با معادل انگلیسی، یعنی «Red tape» (باطنی و دیگران، ۱۳۸۱: ۷۰۵) نیز همخوانی داشته باشد.

بنا بر موارد اشاره شده می‌توان نتیجه گرفت که مترجم باید از دخالت دادن قضاوت‌های ذهنی و باورهای شخصی در برگردان متون پرهیزد. بدیهی است که یکی از راه‌های اصلی برون‌رفت از این چالش، اعتماد نکردن مترجم به یک منبع و مراجعه وی به واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌های مختلف تخصصی است. همچنین، همچون مورد قبلی، آگاهی از ساختار صرفی و ریخت‌شناختی واژه از سوی مترجم نیز در ترجمه چنین متونی الزامی است؛ زیرا در صورت فقدان بینشی فراگیر، از ساختار یک واژه، احتمال لغزش مترجم در برابریابی افزایش خواهد داشت.

۳-۴) برابریابی و برگردان دقیق علایم اختصاری

یکی از شاخه‌های مهم واژه‌سازی، مقوله اختصارسازی است که در آن یک حرف یا مجموعه‌ای از حروف جایگزین یک کلمه یا عبارتی طولانی می‌شود. انگیزه اصلی اختصارسازی را می‌توان اصل کم‌کوشی معرفی کرد که بر اساس آن، انسان می‌کوشد با صرف کمترین انرژی، بیشترین حجم اطلاعات را انتقال دهد (ر.ک؛ قلی‌فامیان و سخنور،

۱۳۹۴: ۱۰۵). واژه‌های اختصاری که از به هم پیوستن حروف اول کلمات موجود در یک عبارت اسمی [بلند] درست می‌شوند، از آغاز قرن حاضر رو به افزایش بوده‌اند. در زبان علمی، گاهی این حروف با هم جمع می‌شوند و واژه‌های بین‌المللی می‌سازند. این واژه‌ها شاید تنها برای آن دسته از خوانندگان زبان مقصد که تحصیلات پایینی دارند، نیاز به تحلیل و توضیح داشته باشد (ر.ک؛ نیومارک، ۱۳۹۰: ۱۹۳-۱۹۴).

تأمل در دو عامل الفبا و ملاحظات رده‌شناختی زبان‌های مورد بررسی نیز نشان می‌دهد که عامل الفبا و خط، نقش مهم تری در گرایش اهل زبان به ساخت و کاربرد کلمات اختصاری ایفا می‌کند (ر.ک؛ قلی‌فامیان و سخنور، ۱۳۹۴: ۱۰۴). این گونه کلمات به تدریج و با توجه به نیاز اهل زبان، به واژه‌های متعارف و مستقل تبدیل می‌شوند تا جایی که گاهی اهل زبان واژه‌ای اختصاری را به کار می‌برند، بی‌آنکه از اصل و ریشه آن اطلاع داشته باشند (ر.ک؛ قلی‌فامیان و سخنور، ۱۳۹۴: ۱۰۵). بر اساس آنچه ذکر شد، یکی از چالش‌های مهم در فرایند ترجمه معجم المصطلحات الإقتصادية والمالیة، نحوه ترجمه علایم اختصاری ذکر شده در برخی از مدخل‌های این اثر بود. معمولاً در برگردان این علایم اختصاری توصیه می‌شود که یک واژه معادل ساخته شود و یا آنکه اگر هنوز معادلی وجود نداشته باشد، یک واژه توصیفی برای آن‌ها ارائه گردد (ر.ک؛ نیومارک، ۱۳۹۰: ۱۹۴). اما برخلاف اغلب زبان‌ها، برای ساخت واژه‌ها در عربی، کمتر از وندافزایی استفاده می‌شود و کلمات جدید بیشتر از طریق تغییر و تحول ریشه و ستاک تولید می‌شوند. بر اساس تقسیم‌بندی چهارگانه شقاقی (۱۳۸۹)، یکی از روش‌های اختصارسازی برخی از عبارات معجم المصطلحات الإقتصادية والمالیة در ترجمه به فارسی، بر اساس حروف اول نام خارجی عبارات، سازمان‌ها و مؤسسات صورت می‌گیرد که نویسنده نیز این الگو را در برگردان بین زبان‌های فرانسه و انگلیسی به خوبی رعایت کرده است. اما در زبان عربی، کارکرد علایم اختصاری بسیار محدود است و اغلب مترجمان برای برابریابی این علایم، آن‌ها را به صورت توصیفی به کار می‌برند. اما در زبان فارسی، مترجم می‌تواند بر اساس قابلیت‌ها و ساختار آن، گاهی به ترجمه توصیفی روی آورد و گاهی از همان صورت اختصاری انگلیسی یا فرانسه کلمات استفاده کند؛ مثلاً در ترجمه عبارت «Economic

«اکافه» به دست می‌آید که به راحتی از سوی گویشوران زبان فارسی به عنوان یکی از زبان‌های مقصد پذیرفته و استفاده شده است، حال آنکه معادل توصیفی آن، یعنی «کمسیون اقتصادی آسیا و خاور دور» نیز در بین این گویشوران رواج دارد. یادآوری می‌شود که در اینگونه موارد که هم معادل توصیفی و هم معادل اختصاری عبارات در زبان مقصد رواج دارد، مترجم می‌تواند علاوه بر استفاده از هر دو حالت آن در ترجمه، از معادل پربسامدتر آن عبارات استفاده کند یا معادل مختصرشده آن را برگزیند.

فرهنگ اصطلاحات معجم المصطلحات الاقتصادية والمالية نیز شامل حجم انبوهی از انواع علائم اختصاری است که قراردادها و توافقنامه‌های اقتصادی، سازمان‌ها، بانک‌ها و نهادهای اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی و... را در بر می‌گیرد. این قسم واژه‌ها در صورتی که با واژه‌های زبان مقصد تداخل پیدا نکنند، به همان صورت بازنویسی می‌شوند (ر.ک؛ نیومارک، ۱۳۹۰: ۱۸۹). اینک به نمونه‌ای از این علائم اختصاری به همراه رمزگشایی از هر یک از آن‌ها به هر سه زبان، بر اساس فرهنگ لغت و به همراه ترجمه فارسی اشاره می‌گردد:

فارسی	العربية	English	Français
تحويل بار در کشتی، تحويل بار روی عرشه کشتی (فوب)	تسليم طَهرِ السَّفينة	Free on board (FOB)	Ranco a bord
موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)	الإتفاقيّة العامّة للتعريفه و التّجارة (الجات)	G.A.T.T. (General Agreement on Tariffs and Trade)	G.A.T.T. (Accord General sur les tarifs Douaniers et le Commerce)
سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)	منظمة البلدان المصدرة للبتروول	Organization of Petroleum Exporting Countries (O.P.E.C)	Organization des Pays Exportateurs de Petrole (O.P.E.P)
اتحادیة تجارت آزاد اروپا، انجمن اروپایی مبادله آزاد (اِفتا) ^۱	الرابطه الأوروبية للتبادل الحر	European Free Trade Association (E.F. T. A)	Association Europeenne de Libr Echange (A.E.L.E.)

در پایان و در یک نتیجه‌گیری کلی، باید گفت که فرایند اختصارسازی و استعمال علائم اختصاری در زبان‌های انگلیسی و فرانسه نسبت به زبان عربی رواج بیشتری دارد. از آنجا که اختصارسازی در زبان فارسی بر اساس حروف اول نام خارجی سازمان‌ها، مؤسسات، نهادها و... از زبان انگلیسی ساخته می‌شود، مترجمان باید به تفاوت‌های ساختاری در دستور زبان فرانسه و انگلیسی که در نهایت به تفاوت در علائم اختصاری می‌انجامد، توجه کافی داشته باشند.

۴- چالش‌های عمومی برابریابی‌ها در ترجمه فرهنگ‌لغت‌های تخصصی چندزبانه

۴-۱) برابریابی در ترجمه اصطلاحات تخصصی

نقش محوری اصطلاح‌شناسی در امر ترجمه موجب آن شده که پژوهش‌های اصطلاح‌شناختی در چارچوب حوزه وسیع رشته ترجمه، به صورت یکی از رشته‌های مهم در آید. تا جایی که فراگیری اصطلاح‌شناسی تخصصی یکی از ضرورت‌های اصلی هر واحد درسی در زمینه ترجمه اقتصاد، بازرگانی، حسابداری، انواع مدیریت‌های مالی، حقوق، پزشکی و دیگر ترجمه‌های فنی است (ر.ک؛ رایبسون، ۱۳۸۰: ۱۶۱). یکی از قواعد عملی که می‌توان در زمینه ترجمه متون علمی و تخصصی مطرح کرد، این است که در حیطه هر علم و فن خاصی، کلمات معانی ویژه‌ای دارند. بنابراین، مراجعه هرچه بیشتر به فرهنگ لغات و اصطلاحات آن رشته، امری ضروری است (ر.ک؛ فرح‌زاد، ۱۳۸۶: ۴۰).

محدودیت در گزینش واژه معادل، از چارچوبی کاملاً مشخص برخوردار نیست و باید اذعان داشت که حتی اگر در بافتی خاص، ترجمه یک واژه یا گروه واژه، در زبان مبدأ به انتخاب ساخت مشخصی از زبان مقصد منجر شود، همین واژه یا گروه واژه در بافتی دیگر می‌تواند به اختیار، معادل‌هایی گوناگونی را شامل گردد (ر.ک؛ صفوی، ۱۳۹۴: ۴۲). چنان‌چه اشاره شد، این فرهنگ لغت تخصصی نیز انواع اصطلاحات و تعابیر ویژه علم اقتصاد و سایر علوم مرتبط را در خود جای داده‌است و از این رو، مسئولیت و اهمیت کار مترجمان، چند برابر خواهد شد؛ چراکه سبک به کار گرفته شده در وضع اصطلاحات این

متون، تخصصی است و ساختاری رسمی و فنی دارد. در صورتی که واژه مورد نظر، نام تجاری نباشد و یا اهمیت فرهنگی نداشته باشد، باید یک اصطلاح عام یا کارکردی را جایگزین اسم خاص نمود (ر.ک؛ نیومارک، ۱۳۹۰: ۱۸۶). در این قسمت، به برخی از این اصطلاحات تخصصی اشاره خواهد شد:

ردیف	العربية	فارسی	English	Français
۱	البنوك الخمسة الكبرى (فی إنجلترا)	پنج مهتران	Big-five	Five (angl.) Big

مثال اول: این اصطلاح به پنج بانک معتبر انگلستان معروف به «غول‌های پنجگانه» اطلاق می‌شود که شامل بانک‌های میدلند، وست مینستر، بارکلی، لویدز و پراوینشال می‌باشد که با توسعه بانک‌های مارتینز و دیستریکت، تعداد این بانک‌ها به هفت عدد رسیده است. این پنج بانک معتبر روی هم رفته، ۱۰۰۰۰ شعبه دارند (ر.ک؛ فرهنگ، ۱۳۸۴: ۹۶). مترجم در برگردان عربی این اصطلاح برای آشنایی خوانندگان، از روش توصیفی استفاده کرده است و مترجم فارسی نیز بنا به سطح دانش تخصصی مخاطبان، می‌تواند از معادل فرانسه و انگلیسی استفاده کند و روش ترجمه توضیحی را در پاورقی یا پی‌نوشت ذکر کند.

ردیف	العربية	فارسی	English	Français
۲	فُفَاعَةُ الْبَحْرِ الْجَنُوبِي (أَسْوَأُ مَثَلٍ لِلشَّرِكَاتِ الْاِخْتِيَالِيَّةِ)	حباب دریای جنوبی	South-Sea Bubble	Bubble South-Sea

مثال دوم: این اصطلاح مرتبط با بورس اوراق بهادار است و برای توصیف جنون سفته‌بازی در شرکت‌های سهامی در اوایل قرن بیستم به کار می‌رود و کنایه از اوراق بهاداری است که قیمت آن‌ها به طور مداوم و بی سبب افزایش می‌یابد و در نتیجه، سرانجام به شدت سقوط خواهد کرد (ر.ک؛ فرهنگ، ۱۳۸۴: ۱۱۴۳). مترجم در ترجمه عربی این

عبارت نیز علاوه بر ذکر معادل، به توضیح مختصری در کنار آن اشاره کرده که در ترجمه فارسی نیز می‌توان از این روش استفاده کرد و یا به شرح ترجمه آن در پاورقی یا پی‌نوشت پرداخت.

ردیف	العربية	فارسی	English	Français
۴	تشریح (قوانین) مقاومة الإصدارات المزيفة للأسهم	قوانین آسمان صاف	blue-sky laws	Legislation ont les emissions frauduleuses d'actions (U.S.)

مثال سوم: اصطلاحی است رایج در ایالات متحده و مراد از آن، قوانین و مقررات انتشار اوراق بهادار از سوی شرکت‌هاست. بر طبق این قوانین، انتشار سهام شرکت‌ها و تأسیس و معامله اینان بدون مجوز رسمی، ممنوع است (ر.ک؛ فرهنگ، ۱۳۸۴: ۱۰۵). مترجم در این بخش نیز در برگردان انگلیسی، برخلاف برگردان عربی، به ذکر معادل عبارت اکتفا کرده‌است. در ترجمه فارسی این عبارت نیز می‌توان برابر آن را ذکر نمود و به رمزگشایی و تشریح آن در پاورقی یا پی‌نوشت پرداخت.

نکته قابل توجه در این بخش اینکه مترجم در برگردان اصطلاحات تخصصی، به دلیل محدودیت در ساختار و توانش زبانی عربی، معمولاً از روش ترجمه توصیفی استفاده کرده‌است، در حالی که در برگردان اصطلاحات به انگلیسی و فارسی می‌تواند به ذکر معادل‌های دقیق هر اصطلاح اکتفا کند. در نتیجه، مترجم باید با ترجمه بجای و در صورت نیاز، با توضیح و تشریح اصطلاحات تخصصی، بر غنای ترجمه و میزان رضایت خواننده بیفزاید و سرانجام، از سر درگمی آنان جلوگیری نماید. لازم به ذکر است که می‌توان این گونه اصطلاحات را برای متخصصان و آگاهان این رشته عیناً انتقال داد و برای کسانی که با این گونه اصطلاحات آشنایی چندانی ندارند، به صورت مختصر و واضح در پانوشت یا پی‌نوشت توضیح داد.

۴-۲) آشنایی با زبان اصلی متن مبدأ در گزینش برابرنهادۀ مطلوب

نقش و اهمیت زبان سوم در ترجمۀ متون تخصصی بر هیچ کس پوشیده نیست. همان گونه که ذکر شد، بسیاری از اصطلاحات تنها در درون یک پیکرۀ زبانی معنادار است و از این رو، چنانچه در ترجمۀ آن تنها به ساختار ظاهری واژه یا اصطلاح توجه شود، احتمال لغزش در معادل‌یابی بسیار بالا خواهد رفت (ر.ک؛ لاینز، ۱۹۶۸م: ۲۳۸). از سوی دیگر، آشنایی با زبان اصلی متن مبدأ در ترجمۀ متون چندزبانه، نقشی اساسی در تعیین و به کارگیری معادل واژگانی و اصطلاحی در آن متن دارد؛ به عنوان مثال، در ترجمۀ این فرهنگ اصطلاحات که زبان اصلی آن فرانسه است و بعداً زبان‌های انگلیسی و عربی به آن اضافه شده، آشنایی مترجم با زبان اصلی می‌تواند از بسیاری از لغزش‌ها در فرایند برابریابی جلوگیری کند. استفاده از زبان واسطه برای ترجمه، به عنوان راهبردی تکمیلی و ابزاری برای کاهش میزان لغزش در ترجمه، بسیار راهگشاست، اما برگزیدن زبان واسطه به عنوان زبان اصلی، ممکن است فرایند ترجمه را مختل کند؛ زیرا «اطلاع از اصل و نسب کلمه‌ها، علاوه بر کمک به فهم آن‌ها، به‌ویژه در معادل‌یابی و معادل‌سازی برای اصطلاحات فنی و تخصصی اهمیت دارد» (جانزاده، ۱۳۸۶: ۱۸۳ و ۱۸۴). البته در انتخاب و تعیین معادل واژگانی، مترجم باید قبل از همه، معنای ارجاعی واژه زبان مبدأ را در نظر داشته باشد؛ یعنی باید ببیند که آیا واژه مبدأ و معادل ترجمه‌ای آن، هر دو در جهان خارج و فیزیکی مرجع یکسانی دارند یا نه؟ (ر.ک؛ لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۹۴: ۸۲).

در این مثال‌ها به عنوان نمونه، به‌وضوح ملاحظه می‌کنیم که بحث آشنایی با زبان‌های خارجی، به‌ویژه انگلیسی تا چه اندازه می‌تواند به مترجم در ترجمۀ متون، به‌ویژه متون تخصصی کمک کند و هنگامی که مترجم به فرهنگ لغت‌های تخصصی دسترسی نداشته باشد، اهمیت این امر فزونی می‌یابد؛ مثلاً در ترجمۀ عبارت «حساب ختامی»، مترجم ممکن است فریب ظاهر ساختار عبارت را بخورد و با توجه به واژه «ختامی» از مصدر «ختم» به معنی «پایان»، ممکن است این عبارت را به «حساب نهایی، حساب آخر یا حساب پایانی» ترجمه کند، حال آنکه با توجه به معادل انگلیسی و فرانسه آن، یعنی «Balance sheet» و «Bilan» درمی‌یابد که معادل رایج این عبارت، «ترازنامه» می‌باشد. این مثال‌ها و

توضیحات درباره سایر واژگان و اصطلاحات تخصصی نیز صادق است که در اینجا، به ذکر چند نمونه دیگر بسنده می‌گردد:

Français	English	العربية	ترجمه اشتباه در اثر بی توجهی به زبان اصلی	ترجمه صحیح فارسی
Economie d'echange	Exchange economy	اقتصاد المبادلة	اقتصاد مبادله، اقتصاد تجارت	اقتصاد ارزی
Ecart type	Standard deviation	انحراف معیاری	انحراف معیار، انحراف معیاری	تفاوت استاندارد، اختلاف استاندارد
Economie sous-developpee	Underdeveloped economy	اقتصاد متخلف	اقتصاد فاسد، اقتصاد خلاقکارانه	اقتصاد توسعه نیافته
Actif	Assets	أصول	اصول، پایه، اساس، مینا	دارایی، آنچه ارزش تملک دارد

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل و واکاوی مهم‌ترین چالش‌هایی بود که ممکن است مترجمان در برابریابی‌های خود در ترجمه فرهنگ لغت‌های چندزبانه و به طور کلی، متون تخصصی چندزبانه با آن‌ها روبه‌رو شوند. شالوده این پژوهش (و به تبع آن، مثال‌ها و نمونه‌های ترجمه) بر اساس ترجمه کتاب *معجم المصطلحات الإقتصادية والمالیة* اثر دکتر مصطفی هنی‌پیری شده که یکی از کامل‌ترین و مفصل‌ترین فرهنگ‌های اصطلاحات چندزبانه در حوزه اقتصاد و امور بازرگانی و مالی است. بر اساس این پژوهش، مهم‌ترین

چالش‌هایی که مترجمان ممکن است در برگردان متون چندزبانه (به‌ویژه لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌های چندزبانه) با آن‌ها روبه‌رو شوند، در دو قالب چالش‌های تخصصی و عمومی، عبارت است از:

۱. ناهمگونی فرهنگ لغت‌ها در ترجمه و چالش مترجم فارسی در ارائه برابرنهاده یکسان.
۲. اختلاف در برابری واژگان و اصطلاحات از زبان اصلی.
۳. ناهمگونی در برگردان واژگان و اصطلاحات بین زبان‌های مختلف.
۴. برابری و برگردان دقیق علایم اختصاری.
۵. برابری در ترجمه اصطلاحات تخصصی.
۶. آشنایی با زبان اصلی متن مبدأ در گزینش برابرنهاده مطلوب.

نگارندگان این پژوهش با طرح چالش‌های مزبور، تلاش کرده‌اند راهکارهای کاربردی و مناسبی را برای برون‌رفت از آن‌ها ارائه دهند. این راهکارهای پیشنهادی عبارتند از:

- مترجم باید با پرهیز از شتابزدگی در برابری‌های واژگانی و اصطلاحی و با عنایت به ساختار عناصری واژگان در هر زبان، اقدام به ترجمه فرهنگ‌ها و متون تخصصی چندزبانه کند.

- مترجم برای مصون ماندن از لغزش‌های احتمالی در فرایند برابری، همواره باید از ورود قضاوت‌های ذهنی و دخالت دادن باورهای شخصی در ارائه برابرنهاده‌های مناسب در حوزه واژگان و اصطلاحات تخصصی پرهیز کند.

- آشنایی نسبی و چه بسا تخصصی با زبان اصلی متن مبدأ، یعنی زبانی که شالوده و اساس ترجمه به دیگر زبان‌ها بوده است، از بایسته‌های برابری در ترجمه متون تخصصی چندزبانه است.

- مترجم فرهنگ لغت و متون تخصصی چندزبانه در مواجهه با ناهمگونی واژگان و اصطلاحات بین زبان‌های مختلف، باید به چندین منبع تخصصی در هر یک از زبان‌ها

مراجعه نمود تا با آگاهی از ساختار صرفی و ریخت‌شناختی واژه بتواند بهترین برابرها و ترجمه‌ها را ارائه دهد.

- مترجم باید دانش یا مطالعه مقدماتی و چه بسا تخصصی در حوزه متن مورد ترجمه داشته باشد تا فریفته شباهت‌های ساختاری و واژگانی در برابری‌ها و ترجمه متون چندزبانه نشود.

- مترجم در ترجمه علائم اختصاری، به‌ویژه در زبان فارسی می‌تواند با رمزگشایی و انتخاب حروف آغازین عبارات، اقدام به ترجمه علائم اختصاری نماید و یا از روش ترجمه توصیفی استفاده نماید که بیشتر در زبان عربی رواج دارد.

- مترجم در مواجهه با ناهمگونی فرهنگ لغت‌ها در ترجمه واژگان و عبارات، می‌تواند با استفاده از گزینش پرسامدترین و رایج‌ترین برابرها و یا با استفاده از تحقیقات میدانی در قالب پرسش از اساتید و صاحب‌نظران هر رشته، از پس این چالش برآید.

در پایان، همواره باید این نکته را در نظر داشت که هر فرهنگ لغت با مراجعه و بنا به برآورده کردن نیازهای واژگانی مراجعه‌کنندگان در موضوعات و سطوح مختلف، داوری و ارزیابی شده، تشویق یا مردود می‌شود.

پی‌نوشت

۱. سازمان تجاری مستقلی است که به موازات اتحادیه اقتصادی اروپا و همکاری با آن فعالیت دارد که از چهار کشور ایسلند، لیختن‌اشتاین، نروژ و سوئیس تشکیل و در چهارم ژانویه ۱۹۶۰ بنیانگذاری شده است.

منابع

- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۸۴). *فرهنگ معاصر عربی فارسی*. چ ۶. تهران: نشر نی.
- استادی، هوشنگ. (۱۳۸۶). *فرهنگ عربی به فارسی مبین*. چ ۱. مشهد: انتشارات ترانه.

- امینی، ادريس و ابوالحسن امين مقدسی. (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی واژه‌افزایی در فارسی و عربی؛ با تکیه بر سه عنصر اشتقاق، ترکیب و تغییر معنایی کلمات». *مجله زبان و ادبیات عربی*. ش ۹. صص ۱-۲۲.
- البستانی، فؤاد افرایم. (۱۳۸۲). *فرهنگ المعجم الوسيط عربی فارسی*. ترجمه محمد بندرریگی. چ ۱. تهران: انتشارات اسلامی.
- البلعکی، روحی. (۱۳۸۷). *فرهنگ عربی - فارسی المورد*. ترجمه محمد مقدس. چ ۲. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- باطنی، محمدرضا و همکاران. (۱۳۸۱). *فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی*. چ ۹. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- پارسایار، محمدرضا. (۱۳۸۲). *فرهنگ معاصر فرانسه - فارسی*. چ ۳. تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- ترقی، محمدعلی. (۱۳۶۳). *فرهنگ خیام: فرانسه به فارسی و فارسی به فرانسه*. چ ۲. تهران: کتابفروشی خیام.
- توانایان‌فرد، حسن. (۱۳۸۵). *فرهنگ تشریحی اقتصاد: انگلیسی - فارسی*. چ ۱. تهران: شرکت نشر الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهان رایانه امین.
- جانزاده، علی. (۱۳۸۶). *فن ترجمه از دیدگاه صاحب‌نظران و استادان ترجمه*. چ ۲. تهران: انتشارات جانزاده.
- جهانخانی، علی و علی پارسائیان. (۱۳۷۵). *فرهنگ اصطلاحات مالی*. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- حدادی، محمود. (۱۳۸۴). *مبانی ترجمه*. چ ۱. تهران: انتشارات رهنما.
- حسینی، سیدناصر. (۱۳۸۱). *فرهنگ انگلیسی - فارسی کار و تأمین اجتماعی (وزمینه‌های وابسته)*. چ ۱. تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- رابینسون، داگلاس. (۱۳۸۰). *مترجم شدن*. ترجمه رضی خدادادی (هیرمندی). چ ۱. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- رحمتی، محمدحسین و حامد گنجی زاده. (۱۳۹۴). *فرهنگ اصطلاحات کارآفرینی*. چ ۱. اراک: انتشارات جهاد دانشگاهی استان مرکزی.
- سیاح، احمد. (۱۳۷۲). *فرهنگ دانشگاهی عربی به فارسی: ترجمه المنجد الأبجدی*. چ ۱. تهران: انتشارات اسلام.
- شعبان‌زاد، محمدرضا و مریم‌السادات اسماعیل‌زاده. (۱۳۹۳). *فرهنگ جامع بانکداری* (ترجمه و گردآوری). چ ۱. تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- شقایق، ویدا. (۱۳۸۹). *مبانی صرف*. تهران: سمت.
- صفوی، کورش. (۱۳۹۴). *هفت گفتار درباره ترجمه*. چ ۱۲. تهران: نشر مرکز.
- طاهریان، احمد. (۱۳۷۹). «ویژگی‌ها و نیازهای کاربران فرهنگ‌های تخصصی». *مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی*. ش ۲۹. صص ۱۲-۲۵.
- طهماسبی، عدنان و صدیقه جعفری. (۱۳۹۳). «جستاری در ترجمه از عربی به فارسی با تکیه بر فرایند معادل‌یابی معنوی - بررسی موردی رمان السکریه». *دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*. س ۴. ش ۱۰. صص ۹۷-۱۱۸.
- فرح‌زاد، فرزانه. (۱۳۸۶). *نخستین درس‌های ترجمه*. چ ۱۵. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فرهنگ، منوچهر. (۱۳۸۴). *فرهنگ علوم اقتصادی: انگلیسی - فارسی*. چ ۹. تهران: نشر آسیم.
- قلی‌فامیان، علیرضا و مریم سخنور. (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی کلمات اختصاری در فارسی، انگلیسی، عربی و ترکی استانبولی». *زبان پژوهی*. ش ۱۷. ۱۰۳-۱۲۲.
- قیم، عبدالنبی. (۱۳۸۱). *فرهنگ معاصر عربی فارسی*. تهران: فرهنگ معاصر.
- کاظمی‌اسفه، ابراهیم و دیگران. (۱۳۷۹). *فرهنگ فرانسه - فارسی رهنما*. چ ۱. تهران: انتشارات رهنما.
- گلریز، حسن. (۱۳۸۰). *فرهنگ توصیفی اصطلاحات پول، بانکداری و مالیه بین‌المللی: انگلیسی - فارسی*. چ ۱. تهران: فرهنگ معاصر.
- لطفی‌پور ساعدی، کاظم. (۱۳۹۴). *درآمدی به اصول و روش ترجمه*. چ ۱۰. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- لو، جانایتان. (۱۳۹۴). *فرهنگ تشریحی مالی و بانکی آکسفورد*. ترجمه محمدحسن مهدوی. چ ۱. تهران: نشر ادبستان.
- معروف، یحیی. (۱۳۸۷). *فن ترجمه (اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و فارسی به عربی)*. چ ۷. تهران: انتشارات سمت.
- میرزائی الحسینی، محمود. (۱۳۸۴). *فرهنگ لغات و اصطلاحات اقتصادی - بازرگانی: عربی فارسی*. چ ۱. تهران: انتشارات یادواره کتاب.
- میرزایی، نجفعلی. (۱۳۸۱). *فرهنگ اصطلاحات معاصر عربی به فارسی*. چ ۴. قم: مؤسسه انتشارات دارالتقلین.
- میرعمادی، سیدعلی. (۱۳۷۰). *تنویری‌های ترجمه*. چ ۱. تهران: سمت.
- ناظمیان، رضا. (۱۳۹۳). *روش‌هایی در ترجمه از عربی به فارسی*. چ ۸. تهران: انتشارات سمت.
- ناظمیان، رضا و زهره قربانی. (۱۳۹۲). «از تعدیل تا معادل‌یابی». *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*. ش ۹. صص ۸۵-۱۰۲.
- نوروش، ایرج و رضا شیروانی. (۱۳۸۵). *فرهنگ حسابداری نوروش*. چ ۴. تهران: انتشارات ایمان.
- نیومارک، پیتر. (۱۳۹۰). *دوره آموزش فنون ترجمه*. ترجمه محمود فهیم و سعید سبزیان. چ ۳. تهران: انتشارات رهنما.
- Komissarov, V. (1985). "The Practical Value of Translation Theory". *Babel: International Journal of translation*. Vol. XXXXI. No 4. Published with the Assistance of UNESCO.
- Larson, M. L. (1984). *Meaning-based Translation*. University press of America Inc.
- Lyons, J. (1968). *Introduction to Theoretical Linguistics*. London: Cambrid University Press.
- Nida, E. A. (1974). *The Theory and practice of Translation*. Leiden: United Bible Societies.